



حسینی، سید قاسم (۱۳۹۷). تحلیلی بر چالش‌ها و آسیب‌پذیری تاب‌آوری فرهنگی در اجتماع بومی (مطالعه موردی تالاب‌های محلی فریدون‌کنار). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۲)، ۲۶۹-۲۹۱.

تحلیلی بر چالش‌ها و آسیب‌پذیری تاب‌آوری فرهنگی در اجتماع بومی (مطالعه موردی تالاب‌های محلی فریدون‌کنار)

سید قاسم حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

چکیده

پرسش اساسی این مقاله آن است که اجتماع محلی که در مسیر تاریخی اش تا به امروز تاب آورده است با چه چالش‌هایی روبروست و آسیب‌پذیری تاب‌آوری در یک اجتماع بومی-محلی تحت تاثیر چه عواملی صورت می‌گیرد؟ اگرچه بسیاری از اجتماعات نتوانستند در مقابل تحولات و تغییرات بیرونی تاب بیاورند و خود را براساس دگرگونی‌های به وجود آمده تنظیم کرده و بسیاری از مناسبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بوم زیستی را از دست داده اند، اما در این میان اجتماعی وجود داشته‌اند که با وجود تغییرات ایجاد شده در فرایند مدرنیزاسیون، شهری شدن مدرن و عوامل توسعه‌زا توانسته‌اند، با استفاده از استراتژی‌ها و مدیریت‌های‌شان که از ساختار فرهنگی، اجتماعی و تاریخ‌شان بوده تاب بیاورند و خود را تداوم بخشند. این مقاله سعی دارد با مطالعه دامگاه‌هان فریدون‌کنار در استان مازندران که نمونه‌ای از تاب‌آوردن یک اجتماع است، نشان دهد که با وجود همه تغییرات و تحولات ایجادشده از بیرون تا به امروز بر اساس ساختار مدیریتی متفاوت‌اش چگونه تداوم یابد. از طرفی دغدغه نگارنده مقاله آن است همین اجتماع تاب آور با تهدیداتی جدیدی روبروست که به صورت ساختاری وارد عمل شده و تاب‌آوری را به چالش می‌کشد. مطالعه حاضر که با روش تحقیق کیفی با تحلیل مقیاس صورت گرفته، سعی دارد تاب‌آوری و فشارهای جدید آن را نشان دهد و همچنین پتانسیل و ظرفیت تاب‌آوری یک اجتماع را فرصتی در جهان امروز قلمداد کند که بر پایداری جوامع محلی و درک شان در حفظ زیست‌بوم‌شان یاد آور شود.

کلید واژه‌ها: تاب‌آوری؛ تاب‌آوری فرهنگی؛ دامگاه‌هان؛ چالش‌ها؛ فرصت‌ها.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، g.hassani@umz.ac.ir

۱-مقدمه و بیان مسأله

امروزه مفهوم تاب‌آوری اجتماعات و فرهنگ‌ها مورد توجه بحث‌های توسعه پایدار و به عنوان یک موضوع پژوهش قرار گرفته است از آغاز قرن ۲۱، مفاهیم تاب‌آوری و آسیب پذیری شروع به فراهم نمودن چارچوب مفهومی مهمی برای درک چگونگی پاسخگویی و سازگاری جوامع در برابر تغییرات محیطی و اجتماعی کردند. تعریف پذیرفته شده عمومی تاب‌آوری، ظرفیت یک سیستم در جذب اختلال و سازماندهی مجدد و در عین حال تحمل در برابر تغییر و نگهداری خود است در نتیجه تاب‌آوری مفهوم قدرتمندی شده که فراتر از علوم طبیعی و اجتماعی، به طور فزاینده‌ای به عنوان مبنایی برای سیاستگذاری استفاده می‌شود. بحث‌های مربوط به تاب‌آوری در چندین وجه شروع به رشد نمود (فلمینگ، ۲۰۰۸ و جانت لدسما ۲۰۱۴). تاکیدات اولیه روی تاب‌آوری بوم شناختی با سئوالاتی درخصوص تغییرات اجتماعی و محیط زیست را بایکدیگر مرتبط بود. تمرکز فضایی این مطالعه روی درک تاب‌آوری در سطح جامعه بومی خواهد بود. چراکه در این سطح است که مسیرهای تاب‌آوری در عمل اجرا میشود.

در طول دو دهه گذشته، توجه مجددی به جامعه به عنوان عرصه مهمی برای نمایش طیفی از مسائل شامل مسیرهای تغییرات زیست محیطی و اجتماعی صورت گرفته است. بسیاری در مورد اهمیت درک عمل محیطی ابتدا در سطح محلی پیش از بزرگ شدن مقیاس تصمیم گیری در سطوح منطقه‌ای، ملی و جهانی بحث کرده اند.

تاب‌آوری یک فرایند طولانی کنش متقابل و تعامل میان عاملیت بومی و محیط زیست او برای روبه‌رو شدن با فشار بوده است. مشخصات محیط اکولوژیک و فرهنگ برای حمایت فرایند تاب‌آوری فرهنگی بسیار ضروری است (استراند، ۲۰۰۳: ۴۳). بسیاری از فرهنگ‌ها در فرایند تاریخی شان با توجه به نوع کنشی که با زیست‌بوم خود داشته اند، توانسته اند مدل‌هایی برای موفقیت تاب‌آوری در برابر تغییرات ارائه دهند. با این حال بسیاری از اجتماعات با فرهنگ‌ها با وجود نوع سازگاری طولانی شان با زیست بوم نتوانستند خود را تحت تاثیر تغییرات دوران مدرن تداوم بخشند. امروزه جهانی شدن و عوامل بوجود آمده در آن فشارهای مضاعفی را بر بسیاری از جوامع وارد می‌کند که هر آنچه سخت و استوار است دود می‌کند و به هوا می‌فرستد. اما همچنان هستند اجتماعاتی که توانایی مقاومت شان همچنان بالاست. اینکه این اجتماعات چرا و چگونه و با چه مکانیسمی خود را در فرایندهای تغییر زای مضاعف حفظ می‌کنند و تاب می‌آورند بستگی به سازوکارهای و عناصر درونی آن اجتماع دارد که با بررسی دقیقی می‌توان به آن پی برد.

دامگاه‌های فریدون‌کنار با سابقه تاریخی‌ای که دارد از یک سنت قوی برخوردار بوده که از قالب فرهنگ توانسته مدلی را برای عاملیت طراحی کند تا بتواند تا به امروز تاب بیاورد. منبع و مرجع فرهنگی - زیست‌بومی در دامگاه‌ها به دلیل سنت دیرینه‌ای که داشته دارای سیستمی از معنا و انسجام‌بخشی برای افراد بومی بوده است. در واقع باید سیستم فرهنگی - اجتماعی این اجتماع بومی را نوعی ایده آل از تاب‌آوری دانست که در درون آن عناصری از تجارب، مهارت، نگرش، دانش، زبان، ارزش، سرمایه، دارایی، اطلاعات، همیاری، همکاری، هم‌آمونی گروه، سهم‌بری، صبر و شکیبایی، ارتباطات غیرکلامی و غیره وجود دارد. این عناصر منبع ظرفیتی است که اجتماع محلی را در برابر تغییرات، شوک، دشواری، فشار و اختلالات حفظ می‌کند و سازگار می‌سازد. تاب‌آوری فرهنگی در حوزه اکولوژیکی - معیشتی در دامگاه‌ها فریدون‌کنار را می‌توان محصول چنین استراتژی و مدیریت و مکانیسمی دانست.

اما باید اشاره داشت تاب‌آوری فرهنگی فریدون‌کنار وارد چالشی جدید شده که می‌توان با توجه به این مشکلات و حتی فرصت‌ها مورد بررسی قرار داد. چالش‌های اساسی دامگاه‌ها فریدون‌کنار با ورود عناصر مدرن در ایران و بخصوص از اصلاحات ارضی آغاز گردید. طبق گفته مردم محلی در گذشته تعداد این دامگاه‌ها زیاد بود. در واقع وارد شدن عناصر تغییر و تحولات معیشتی و اهمیت یافت کشت برنج بعد از اصلاحات ارضی به دلیل نیاز جامعه و افزایش جمعیت این دامگاه‌ها بی‌شمار نتوانستند تاب بیاورند. امروزه تعداد کمی از این دامگاه‌ها در چند اجتماع روستایی فریدون‌کنار باقی ماندند و به تاب‌آوری شان ادامه می‌دهند. اینکه چرا اکنون به این مساله پرداخته می‌شود آن است که نوع دیگری از عناصر تغییر و تحول وارد این اجتماع شده که تاب‌آوری این دامگاه‌ها بر جای مانده را به محک می‌زند. به نظر می‌رسد با این که دامگاه‌ها با فشار مضاعف تغییر روبرو شدند باز عناصری دیگری در جریان اجتماع بومی - محلی است که تداوم را مستقر می‌سازد. مساله‌ی مهم در این جریان آن است که این اجتماع تاب آورنده شده در کش و قوسی قرار گرفته که دوام آن به مکانیسم‌های کارکردی درون این اجتماع و نقش عوامل بیرونی بستگی دارد. اینکه عوامل درونی یعنی اجتماع بومی - کنشگران آن و عوامل بیرونی یعنی طرفداران محیط زیست چگونه عمل می‌کنند می‌تواند سرنوشت این دامگاه‌ها را تعیین کند. طرح مساله اساسی آن است که چگونه یک اجتماع وقتی در طیف فرایند جهانی شدن قرار می‌گیرد در حال تجربه جدیدی از فشارهای قرار می‌گیرد و چگونه خود را حفظ می‌کند و تاب می‌آورد.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- تاریخ و پیشینه مفهوم تاب‌آوری

واژه تاب‌آوری از واژه لاتین رسیلیو^۱ به معنای "به طور ناگهانی عقب نشینی کردن" استخراج شده است؛ اگرچه درباره ریشه این کلمه هنوز اختلاف نظر وجود دارد. برخی می‌گویند بوم‌شناسی و برخی دیگر بر فیزیک نظر دارند. در زمینه بوم‌شناسی، این کلمه در پی انتشار اثر اصلی هالوئینگ به نام تاب‌آوری و پایداری سامانه‌های اکولوژیکی در سال ۱۹۷۳ رواج پیدا کرد (رمضان زاده سبویی ۱۳۹۵). در فرهنگ لغت، این کلمه، ویژگی بازگشت پذیری و قابلیت ارتجاعی معنا شده است، ولی در متون بهداشت روانی تاب‌آوری معادل گویاتری است. ریشه تاب‌آوری از علم فیزیک گرفته شده است و به معنی جهیدن به عقب است. در واقع افراد تاب‌آور قادر هستند به عقب بجهند. آنها توانایی زنده ماندن و حتی غلبه بر ناملایمات را دارند. تاب‌آوری می‌تواند باعث شود که فرد پیروزمندانه از رویدادهای ناگوار بگذرد و علیرغم قرار گرفتن در معرض تنش‌های شدید، شایستگی اجتماعی، تحصیلی و شغلی او ارتقا یابد. تاب‌آوری نوعی ویژگی است که از فردی به فردی متفاوت است و می‌تواند یاد گرفته شود (آدگر، ۲۰۰۰: ۲۸). این مفهوم در حوزه مهندسی نیز به کار رفته است: به عنوان مثال در علوم مواد و سازه کاربرد این مفهوم را دید که به تعیین ظرفیت یک ارگان و سیستم برای حفظ و تجدید خود بخصوص با وجود فشار اشاره دارد. مفهوم تاب‌آوری در اکولوژی در دهه ۱۹۷۰ توسط یکی از اکولوژیست‌های کانادایی به نام هولینگ مطرح شد. او این مفهوم را اینگونه تعریف کرد: توانایی یک سیستم برای حفظ ساختار و الگوهای رفتاری‌اش در روبه‌رو شدن با اختلال (فلمینگ، ۲۰۰۸: ۵۴). در سه دهه آخر قرون ۲۰: اصطلاح تاب‌آوری اکولوژیکی مطرح بود. در این دوره تاب‌آوری به مقداری از آشفتگی و اختلال که یک اکوسیستم می‌تواند بدون تغییر دادن فرایندهای خود سازمان‌دهی شده و ساختارها مقاومت کند و در ارتباط با سازگاری با تغییرات زیست‌محیطی مطرح شد (ماستن، ۲۰۰۷: ۹۲). در آغاز قرن ۲۱ این مفهوم با ظرفیت سازگاری مطرح شد که در آن به سیستم‌های اکولوژیکی اجتماعی اشاره می‌کرد و بر توانایی انسان برای مقابله با تغییر در محیط‌شان با مشاهده، یادگیری و تغییر و تعاملات‌شان تاکید داشت (ریچمن، ۲۰۰۱: ۲۱). در همین قرن: مفهوم تاب‌آوری آب‌وهوایی نیز بحث شد که ظرفیت سیستم‌های اکولوژیکی - اجتماعی را مطرح می‌کرد که در آن موارد زیر مورد توجه قرار گرفتند؛

- ۱- تنش‌ها و فشارهای بیرونی تحمیل‌شده حاصل از تغییر آب‌وهوا
- ۲- سازگاری، سازمان‌دهی مجدد، و تحول در داخل سیستم و تنظیمات مطلوب‌تر با توجه به زمینه اجتماعی - اکولوژیکی
- ۳- میزان اختلال سیستم
- ۴- درجه‌ی خود تنظیم‌گری سیستم
- ۵- درجه‌ی سازگاری سیستم

جدول ۱: انواع تاب‌آوری و مشخصات آن

مفهوم تاب‌آوری	مشخصات	متمرکز بر روی	زمینه
تاب‌آوری مهندسی	برگشت زمان، کارایی	بهبود، بازیابی، ثبات	نزدیکی به یک تعادل پایدار
تاب‌آوری اکوسیستم / اکولوژیکی	ظرفیت در برابر ضربه، مقاومت در برابر شوک و حفظ عملکرد	مقاومت، استحکام نیرومندی	تعادل چندگانه، ثبات، چشم‌اندازها
تاب‌آوری اکولوژیکی - اجتماعی	اثر متقابل اختلال سازمان‌دهی مجدد، پایداری و توسعه	ظرفیت انطباقی، توانایی برای تغییر، یادگیری، نوآوری	بازخورد سیستم یکپارچه، تعامل پویای مقیاس متقابل

اقتباس از لدسما ۲۰۱۴

رویکرد تاب‌آوری به چگونگی پایداری از طریق توسعه مداوم در روبه‌رو شدن با تغییر اشاره دارد و به این‌که برای تنظیمات مطلوب‌تر نوآوری و تغییر و تبدیل و ترمیم صورت می‌گیرد (روتز، ۱۹۸۵: ۱۴). در دهه ۱۹۹۰ چشم‌انداز تاب‌آوری در موسسه اقتصاد بیجر که موسسه پژوهشی بین‌المللی در آکادمی علوم سلطنتی سوئد است و مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد تنوع زیستی انجام می‌داد، ادامه پیدا کرد. این نهاد و دانشگاه فلوریدا که هولینگ^۱ هم در آنجا بود، شروع به شبکه تاب‌آوری یعنی یک برنامه تحقیق کرد که بعداً در قالب اتحادیه تاب‌آوری^۳ تبدیل شد (بارتون، ۲۰۰۵: ۱۲۳).

در مورد تاب‌آوری با توجه به تعاریفی که ارائه شده به صورت‌های گوناگون این تعاریف با معیارهای مختلف ارائه شده است. همانطور که ذکر شد در این تعاریف بسته با این‌که چه

1- Beijer

2- Holling

3- Resilience Alliance (www.resalliance.org)

پسوندی برای تاب‌آوری در نظر می‌گیرند تعریف ارائه می‌شود. بنابراین با توجه به این که تاب‌آوری با پسوندهای روانی، یا فیزیکی، بدنی، اجتماعی، فیزیکی، اقتصادی مد نظر باشند تعاریف بر مبنای همان پسوندها تعریف می‌گردد. تاکید نگارنده بر تعریف تاب‌آوری با پسوند فرهنگی است.

۲-۲- مفهوم تاب‌آوری فرهنگی

اهمیت تاب‌آوری فرهنگی به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی به نقش فرهنگ و زمینه فرهنگی تأکید دارد. تاب‌آوری فرهنگی در زمینه دستیابی به سیستم معیشتی پایدار در محیط اجتماعی است. در بحث تاب‌آوری فرهنگی باید این امر را تاکید کرد که چگونه فاکتورهای فرهنگی نقشی را در موفقیت سازگاری ایفا می‌کند و براساس شبکه‌ای از اعمال اقدامات متقابل، تعهدات و درخواست‌ها و دارایی‌ها پویایی سازگاری و تطبیق را برجسته می‌سازد. برخی محققین بررسی کرده‌اند چگونه انسان‌ها با پیچیدگی تغییر در جهان معاصر کنش و تعامل دارند و یا می‌توانند در این سازگاری دوام آورند (پلینگیر، ۲۰۱۲: ۳۲).

تاب‌آوری فرهنگی در دستیابی به پایداری یک اجتماع مهم و حیاتی است. اجتماعات محلی از طریق بسیج و مدیریت داشته‌های شان برای تاب آوردن فرهنگ شان در برابر با سختی‌ها تلاش می‌کنند. تاب‌آوری فرهنگی نوعی تقویت‌بخشی فرهنگ و سنت‌ها به‌عنوان منبع که پافشاری در برابر آسیب‌پذیری‌های معیشتی را قادر می‌سازد است. به نوعی تاب‌آوری‌های فرهنگی همان استراتژی‌های تطبیق آن فرهنگ با تغییرات است (مک کوپین، ۲۰۰۵: ۹۸). هر اجتماعی برای تاب‌آوری فرهنگی از استراتژی‌هایی استفاده می‌کند. این استراتژی‌های می‌توانند آگاهانه یا نا آگاهانه باشد. استراتژی‌های آگاهانه از طریق انتخاب‌ها تعیین می‌شود. برخی از استراتژی‌ها غیرداوطلبانه است یعنی فعالیت‌های غیرقصدمنداند. تاب‌آوری فرهنگی همان ترجمه مردم از تنوع فرهنگی به فرصت‌های معیشتی، زیست‌محیطی و غیره است.

سیستم‌های اجتماعی فرهنگی می‌تواند شامل دانش سنتی، مهارت‌ها، تجارت، ارزش‌ها، آداب و رسوم و نگرش‌ها برای بقای خودشان باشد. این‌ها نوعی توانایی‌شان برای سازگارشدن با فشارهای بیرونی و اختلالات از طریق شیوه‌ی خودشان است که در طی نسل‌ها به‌دست می‌آید. این نوعی تاب‌آوری فرهنگی است که یک مقاومت - را در برابر تغییرات غیرپیش‌بینی شده از طریق حفظ عملکردهای سنتی‌شان است. (پترسون، ۲۰۰۲: ۲۹ و اسمیت، ۲۰۰۰)

در ارتباط با تحلیل معیشت، تاب‌آوری فرهنگی به اجتماعاتی اطلاق می‌شود که به‌طور جمعی و آگاهانه در طول دوره‌های آسیب‌پذیر تغییر با ترسیم استراتژی‌های مختلف معیشتی از

طریق تجارب‌شان و دانشی که برای نسل‌ها حفظ شده است مقاومت می‌کنند. اجتماعات همیشه قادرند که برای بازیابی‌شان از اثرات شوک و احتمالات از تجارب، مهارت‌ها و دانش‌ها و متدهای آزمون و خطا استفاده کنند. فرهنگ به‌عنوان سوپاپ اطمینان برای افرادی عمل می‌کند که با تقویت تاب‌آوری طبیعی و ظرفیت‌های موجود دارای‌های جامعه خود با استراتژی‌هایی استفاده می‌کند تا در برابر تغییرات غیرقابل پیش‌بینی تحمل کند. سنت‌های فرهنگی بنابراین یکی از عمده‌ترین فاکتورهای عمده در کمک به مردمی که پتانسیل‌های‌شان را درک می‌کنند است. مردم یک اجتماع می‌توانند از طریق روح جمعی که در فرهنگ سنتی‌شان وجود دارد بسیاری از دشواری‌ها غلبه کنند. فرهنگ به حفظ و ایجاد سرمایه اجتماعی قوی کمک می‌کند که یکی از دارای‌های بارزش مردم است که در برابر تهدیدات امرارمعاش و پایداربودن، اعتمادسازی، وابستگی متقابل و مشارکت استفاده می‌شود (آقا محمدی، ۱۳۹۳ و پورحیدری، ۱۳۹۳). با توجه به این عناصر فرهنگی در یک اجتماع، پایداری افزایش می‌یابد. معیشت سنتی وقتی که مشکلات رخ می‌دهد قواعدی را برای نظارت بر استفاده و احترام به منابع‌شان و تعهدات‌شان فراهم می‌کند. سنت‌های فرهنگی در جامعه رونق می‌یابد و بنابراین، جنبه‌های خلاق، فعال و تجربی مردم را تشکیل می‌دهد. سنت‌ها تنها یک رسم منفعلانه نیست بلکه به‌طور فعال عمل می‌کنند. سنت‌های فرهنگی همیشه در تقویت استراتژی‌های معیشتی و مقاومت‌های خانوار مؤثر نیستند. در برخی مثال‌ها، سنت‌های مردم سازگاری‌شان را در زمان‌های دشواری تضعیف می‌کند (سایبرت، ۱۳۹۴ و کرد میرزا، ۱۳۹۲). برخی از موقعیت‌های غیرقابل کنترل می‌توانند مردم را وادار کنند تا مهارت‌های به‌ارث‌برده‌شده را رها کنند و به منابع دیگر درآمد حرکت کنند. این موقعیت‌های غیر قابل کنترل چالش‌هایی است که اجتماعات با آن روبرو می‌شوند. به نظر می‌رسد این چالش‌ها نوعی دیگری از دشواری‌ها باشد که نوظهور هستند.

در مجموع آنچه که به عنوان تاب‌آوری فرهنگی در این تحقیق مد نظر است مجموعه‌ای از دانش‌ها، سنت‌ها، باورها، داشته‌های یا سرمایه‌های بجای مانده از گذشته، نوعی از احترام به منابع بومی، مهارت‌ها، تجارب، ارزش‌ها، پیوندهای درون اجتماع بومی از یک طرف که در کل می‌توان آن را تحت عنوان میراث فرهنگی گذشته نام گذاری کرد و همچنین عناصری که در شرایط جدید در قالب هویت، آگاهی، باور به اجتماع بومی خود، معرفت از اهمیت عناصر بر جای مانده (به عنوان مثال یکی از این موارد نقش درنا و اهمیت جهانی پیدا کردن آن)، کهمی توان به عنوان میراث امروزمین نام گذاری کرد: تعریف کرد. مجموعه‌ای از میراث گذشته و میراث امروزمین که به کمک تاب‌آوری می‌آیند را می‌توان تاب‌آوری فرهنگی در نظر گرفت.

۲-۳- الگوهای تاب‌آوری فرهنگی

به طور کلی الگوهای تاب‌آوری فرهنگی را می‌توان به دو حوزه در دو چارچوب تقسیم کرد:
 ۱- در چارچوب فرهنگی-اجتماعی: در بیرون از حوزه فرهنگ-محیط زیست: یعنی ظرفیت و توانایی یک فرهنگ، اجتماع یا یک گروه در برابر فشارها و تغییرات ناشی از شرایط مدرن برای حفظ، توسعه، تحول، احیا، ترمیم و تجدید حیات و تنظیم مطلوب تر خود از طریق مدیریت محتوا، مراجع و منابع فرهنگی.

۲- در چارچوب اکولوژیکی-معیشتی: در درون حوزه فرهنگ-محیط زیست: یعنی ظرفیت و توانایی یک اجتماع یا گروه در برابر اختلال، خطر، تغییر، فشار برای سازگاری، بهبود، ترمیم و مدیریت منابع معیشتی و زیست محیطی خود از طریق مراجع و منابع فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی در محیط شان است. منابع و مراجع اجتماعی در اینجا عبارتند از: سرمایه اجتماعی، یادگیری اجتماعی، آگاهی اجتماعی، شبکه اجتماعی، خلاقیت اجتماعی. در عین حال منابع و مراجع فرهنگی را می‌توان سنت‌ها، تاریخ، محتوی فرهنگی، ارزش‌ها، هنجار برشمرد.

۲-۴- تاب‌آوری فرهنگی و تاثیر جهانی شدن

چگونه تاب‌آوری فرهنگی اجتماعی تحت تاثیر فرایند‌های جهانی شدن قرار می‌گیرد؟ دو رهیافت کلیدی، چارچوبی برای این تحلیل فراهم می‌آورد: ۱. نظریه گذار و ۲. مفهوم سازی تاب‌آوری اجتماعی در تقاطع میان سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی.

از دیدگاه علوم اجتماعی، نظریه گذار می‌تواند در تعریف زیر دیده شود: "چارچوب نظری ای در تلاش برای فهم و آشکارسازی پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی گذارهای اجتماعی (یا زیرسیستم‌های جامعه) از یک حالت سازماندهی به حالت دیگر است. نظریه گذار توصیه می‌کند که در زمان حاضر، فازهای منسجم سازمان اجتماعی می‌تواند شناسایی شود، در حالی که در زمان‌های دیگر پیچیدگی و حتی ویژگی‌های تحولات بی‌نظمی می‌تواند مسلط گردد و حتی به مجموعه جدیدی از ساختارهای منسجم، منجر گردد. نظریه گذار به عنوان رهیافت نظری در فهم تغییر اجتماعی در رشته‌های مختلف نظیر گذار از سوسیالیسم به پساسوسیالیسم، تحولات اجتماعی-تکنولوژیک و تغییر سیاسی، تحولات روستایی، تحولات پایداری، تغییرات عمومی از "ایسم‌ها" به "پسا ایسم‌ها" نظیر گذار فوردیست، گذار به پست مدرنیسم یا پست کلنیالیسم مورد استفاده قرار گرفته است. نظریه گذار فرض می‌کند که مراحل یا دوره‌های کلیدی ای در تغییر اجتماعی وجود دارد و هر یک از این مراحل به نوبه خود، سکوی پرتابی برای گذار بعدیست (چاکرابتی و کولنبرگ ۲۰۰۳).

اگر یک اجتماع قادر باشد (حداقل تا حدودی) از یک آسیب گسست در اثر گذار بهبود یابد، بر طبق مدل های گذار جامعه به "مرحله تطبیق مجدد" که می تواند با مسیرهای نامنظم و تصادفی گذار در مراحل اولیه تعریف شود) و یک "مرحله احیاء" (احتمالا خطی تر) که می تواند به جامعه در "کشف مجدد" مسیرهای تاب آورتر از پیش از فاجعه، کمک نماید، راه یافته است. بنابراین فولکه بحث می کند که "پویایی های پس از اختلال یا حتی انتقال رژیم، اساسا به ظرفیت خودسازماندهی سیستم انطباق پذیر پیچیده بستگی دارد." اگر چه توجه به این نکته مهم است. یادگیری اجتماعی معمولا بدین معناست که چون جوامع قادر به رفع اختلالات و استفاده از ظرفیت سازگاریشان در "بازگشت به قبل" در طول دوره سازگاری مجدد هستند، بنابراین "گونه" یا "کیفیت" تاب آوری متفاوتی را در مقایسه با قبل از اختلال خواهند یافت. به معنای دیگر برای جامعه غیرممکن است که ویژگی های تاب آوری را که پیش از روی دادن اختلال داشت، مجددا خلق کند. به خصوص فرایندهای پس از اختلال نظیر یادگیری، شبکه های عاملان در حال تغییر و پارامترهای در حال تغییر اجتماعی-اقتصادی و محیطی بدین معناست که گذشته نمی تواند به هیچ عنوان دوباره ابداع شود. (فولکه، ۲۰۰۶)

جذابیت چارچوب نظریه گذار برای فهم تاب آوری جامعه و آسیب پذیری چندبرابر است. نخست، به دلیل تمرکز آن روی "احتمالات تحول" با درک تعاملات میان عاملین و زمینه های محلی، منطقه ای، ملی و جهانی. دوم، نظریه گذار هم به پیش بینی آینده بر مبنای مسیرهای موجود تغییر و هم به مرور گذشته به دلیل شواهد گذار تدریجی که "آزمایش" انعطاف پذیری مدل های گذار را مقدور می سازد، اجازه می دهد. سوم، نظریه گذار از هم پاشیدن روابط قدرت پیچیده در سیاست، ایدئولوژی، فرهنگ و رفتار که به تاب آوری یا آسیب پذیری جوامع محلی از طریق تمرکز بر درک ادامه، ثبات یا تخریب فرایندهای گذار خاص (برای مثال ایدئولوژی ها، رویکردها، سیاست ها) کمک می کند و فهم آثارشان در خلق رفتارهای گذار قابل پیش بینی (اما به هیچ وجه قطعی) را ممکن می سازد. چهارم، این نظریه نگرشی به ماهیت محدود شده فرصت های گذار کوتاه و بلندمدت و راهی که انتخاب های پی در پی می توانند به تدریج مرزهای تحول جامعه را از طریق پیشرفت تدریجی یا گسست های بااهمیت تر تغییر دهند، فراهم می آورد. نهایتا و مهم ترین بخش موضوع بحث، نظریه گذار به ما اجازه می دهد که به ماهیت غالبا همپوشان فرایندهای تغییر در سطح جامعه که غالبا تحت تصورات شکل داده شده توسط فرایندهای عمودی پنهان می شوند، توجه کنیم. مخصوصا با افشای اینها از طریق تاکید بر اینکه چگونه گره های تصمیمات، مسیرهای میان تاب آوری و آسیب پذیری اجتماعی را خلق و تغییر می دهند.

تاب‌آورترین شکل جامعه، در تقاطع میان سرمایه بالای اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در جوامع به خوبی حفاظت شده در رویارویی با چالش‌های تحمیل شده توسط جهان به سرعت جهانی شده است. جوامعی که تنها دو سرمایه دارند که به خوبی توسعه است، به عنوان جوامع با تاب‌آوری یا آسیب‌پذیری متوسط تعریف می‌شوند. در حالیکه جوامعی که تنها یک (یا هیچ) گونه سرمایه توسعه یافته‌ای ندارند عموماً با تاب‌آوری پایین یا آسیب‌پذیری بالا تعریف می‌شوند و علی‌رغم این حقیقت که برخی افراد در این جوامع ممکن است به صورت نابرابر از نظر مالی منتفع شوند، به عنوان جوامع تقریباً کاملاً متمرکز بر سرمایه اقتصادی در حال توسعه، در صرف سرمایه اجتماعی یا محیطی، آسیب‌پذیر خواهند بود. نظیر این موضوع، جوامع تقریباً کاملاً متمرکز بر سرمایه محیطی (برای مثال با منابع حفاظت شده)، ممکن است در صرف سرمایه اقتصادی (و به طور همزمان اجتماعی)، به همان میزان آسیب‌پذیر باشند. این مسئله تأکید می‌کند که روابط میان اجزای سه سرمایه بیش از خود سرمایه‌ها به تنهایی اهمیت دارد. در حالیکه درجه بالایی از وابستگی میان سه سرمایه بدین معناست که هرگونه دخالت در یکی از سرمایه‌ها می‌تواند بر سایر سرمایه‌ها نیز تأثیرگذار باشد و بدین وسیله تاب‌آوری را تضعیف نماید. تنها تعداد اندکی از جوامع هستند که همه ویژگی‌های سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی‌شان تا بالاترین حد توسعه یافته‌اند و به همان میزان تنها نواحی اندکی هستند که کاملاً تک‌عملکردی هستند. این بدان معناست که بالاترین حد تاب‌آوری نمی‌تواند هرگز در یک جامعه به دست بیاید و باید به صورت یک "حالت ایده‌آل" دیده شود. غالباً جوامع تاب‌آور نیز برخی ویژگی‌های آسیب‌پذیری (برای مثال، وابستگی بیش از حد بر یک منبع درآمدی، مهاجرت به خارج، توزیع نامتناسب ثروت تولید شده در جامعه) را در برمی‌گیرند. بالعکس، حتی آسیب‌پذیرترین جوامع برای مثال با وابستگی بیش از حد به محصولات کشاورزی یا سرمایه اجتماعی ضعیف، ممکن است از برخی ویژگی‌های تاب‌آوری، نظیر سرمایه اقتصادی نسبتاً توسعه یافته برخوردار باشند.

جهانی شدن با فشردگی زمان-فضا، تسریع روابط اجتماعی جهانی که ساختار و مقیاس روابط انسانی به عنوان فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی را با عملکرد در سطح جهانی به جای مقیاس منطقه‌ای یا بومی تحت تأثیر قرار داده و تعریف می‌کند. بنابراین جهانی شدن به ارتباطات اقتصادی جهانی فزاینده میان فضاهای جغرافیایی و قرارگیری تقریباً تمامی جوامع بومی در میان جریان‌های پیچیده مالی و پولی و فرایندهای مرتبط با الگوهای فزاینده یکسان ارتباطات اقتصادی و قرارگیری در بستر جهانی مرتبط است. جهانی شدن با هماهنگ‌سازی جهانی و یکپارچه‌سازی فرایندهای انسانی و فرهنگ‌های مختلف همراه است. اختلالات جوامع

مرتبط با جهانی شدن دلایل متعددی دارد و معمولا با اختلالاتی که در آغاز آرام است نظیر تغییرات در معاملات جهانی، تغییر در ترجیحات خرید یا مدها یا جریان‌ها با تاثیر بر سرمایه اقتصادی همراه است. اما گسترش سرمایه بدون شک به هیچ وجه همسان نیست و با جوامع محلی ای که با چالش‌ها و فرصت‌های بسیار متنوعی مواجه هستند، احاطه شده اند. بحران اقتصادی جهانی حاضر از سال ۲۰۰۸ تا حدودی تاکید نمود که در حال حاضر تقریبا همه جوامع (حتی دوردست‌ترین) با فرایندهای اقتصادی مشابهی که تا این اواخر نسبتا "بعید" فرض می‌شد، مواجه هستند. در نتیجه "گذرگاه گذار" تحمیل شده توسط جهانی شدن بر تاب‌آوری به روش‌های مختلفی در جوامع متعدد- با توجه به اینکه فرصت‌های تصمیم‌گیری موثر بر تاب‌آوری در جوامعی که به صورت تدریجی در سیستم سرمایه‌داری جهانی قرار می‌گیرد و فرصت‌ها را گسترش می‌دهند (هم در افزایش و هم کاهش تاب‌آوری) در جوامع مجددا بومی سازی شده، جهانی و فراج جهانی شده- تاثیر می‌گذارد. (ویلسون، ۲۰۱۲)

۳- روش تحقیق

بررسی تاب‌آوری فرهنگی در یک اجتماع موضوعی کیفی است و نیاز به حضور محقق و کار میدانی دارد. با توجه به مشخص بودن میدان تحقیق محقق از روش‌های میدانی استفاده کرده است. مطالبی که در بخش یافته‌های تحقیق آمده از حضور میدانی و با توجه به رویکرد تحلیل مقیاس بدست آمده است. در این بررسی از تکنیک مشاهده و پرس و جو استفاده شد. در عین حال سعی تحقیق در گنجاندن داده‌ها در تحلیل مقیاس بوده است. در تحلیل مقیاس مفهوم پردازی محلی-جهانی در بحث تاب‌آوری مهم است (استراوس و دوون، ۲۰۱۳: ۱۱). یعنی تاب‌آوری فرهنگی از سطوح تعامل انسان-فرهنگ-محیط زیست از سطح محلی، منطقه‌ای، ملی، جهانی مورد توجه است. در واقع در بخش روش شناسی تحلیل مقیاس مورد کوچک در یک محله و اجتماع در مسیر طیفی مفهوم پردازی شده و موقعیت آن پدیده نشان داده شد. با توجه به این که اجتماع مورد بررسی در این تحقیق تحت تاثیر عوامل بیرونی شدید جهانی شدن قرار دارد می‌توان تاکید کرد که این اجتماع را بدون درک سطوح بیرون از خود نمی‌توان درک کرد.

جامعه مورد مطالعه تحقیق شهر فریدونکنار است. این شهر دارای ۲۵ روستا است که عبارت‌اند از: ازباران، شیر محله، مهلبان، بزرگ بیشه محله، نوایی محله، بنه کنار، کوچک بیشه محله، بی نمد، زاهدکلا، منقاریپی، جزین، کلاگر سرا، فرزاد شهر، اسبوکلا، حسین‌آباد، اوکسر کریم‌کلا، طوله سرا، سوتنه، فرم، حیدرکلا، اسلام‌آباد، ملاکلا، دریاسر. کارگر محله، بخش مرکزی

این شهرستان است. دامگاهان برجای مانده و تاب آور شده در منطقه‌ی روستایی ازباران و سوت‌ه قرار گرفته‌اند. معیار انتخاب نمونه بر اساس وجود تعداداندک (۲ الی ۳) دامگاهانی است که توانستند در این اجتماع روستایی تاب بیاورند.

۴- یافته‌های پژوهش

فریدون‌کنار یکی از شهرهای ساحلی استان مازندران است. این شهرستان از شمال با دریای خزر، از شرق با شهر بابل و از غرب هم‌مرز با شهر محمودآباد و از جنوب با شهرهای بابل و آمل همسایه است. فریدون‌کنار از سال ۱۳۲۰ شهر شده است با این وجود از لحاظ تقسیمات سیاسی تا دهه هفتاد شمسی بصورت دهستان بوده و در این دهه از دهستان به بخش‌داری تبدیل و از سال ۱۳۸۶ نیز شهرستان شده است.

بارندگیهای فراوان و زمین حاصلخیز و جلگه‌ای از قدیم فریدون‌کنار را به کشتگاه مستعد برنج و حبوبات تبدیل نموده است و وجود آبگیرها و آب‌بندانه‌های متعدد، بافت ویژه‌ی جنگلی و آب و هوای معتدل خزری آن را به صورت یکی از زیستگاه‌های منحصر به فرد زمستانی پرندگان زیبای مهاجر به ویژه درنای سیبری درآورده است، ارتفاع متوسط این شهر جلگه‌ای از سطح آبهای آزاد جهان حدود ۱۳- متر می‌باشد و در عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی (منطبق بر ساعت رسمی کشور) واقع شده است رودهای فری‌کنار و ملاکلا زمین‌های این شهر را مشروب می‌کنند.

۴-۱- معرفی تالاب‌های محلی فریدون‌کنار

براساس تعریف کنوانسیون بین‌المللی رامسر تالاب شامل مناطق مردابی، آبمانده، نمزارهای سیاه و باتلاقی، برکه‌های مصنوعی یا طبیعی است که به طور دائم یا موقت دارای آب ساکن یا روان، شیرین یا شور یا نیمه شور هستند و یا مناطقی ازسواحل دریا که هنگام جذر ارتفاع آب در آنها بیشتر از ۶متر نباشد. اهمیت تالاب‌ها عبارتند از: ذخیره سازی آب، حفاظت در مقابل طوفان و کاهش تخریب سیل، تثبیت خطوط ساحلی و مهار فرسایش، تغذیه سفره آبهای زیرزمینی، پالایش آب از طریق تثبیت عناصر محلول، رسوبات و دیگر آلودگی‌ها و تعدیل آب و هوای محلی، حفظ ذخایر ژنی گیاهی و جانوری، تأمین آب (کیفیو کمی)، آبی‌پروری بیش از دوسوم از برداشت محصول ماهی جهان به سلامت مناطق تالابی بستگی دارد، تولید محصولات کشاورزی از طریق تأمین آب و عناصر غذایی، تولید چوب، تأمین انرژی، تولید مواد لجنی و گیاهی، حمل و نقل و کاربردهای تفریحی و گردشگری.

مجموعه تالاب بین‌المللی فریدونکنار مازندران یکی از ۲۲ تالاب ثبت شده در کنوانسیون رامسر در ایران است که زیستگاه بسیاری از پرندگان مهاجر کمیاب به ویژه گونه در معرض خطر درنای سبیری می‌باشد. این منطقه با وسعتی معادل ۵۴۲۷ هکتار و در فاصله ای نزدیک به دریای خزر، برخوردار از دامنه وسیعی از رویشگاه‌های طبیعی و مصنوعی شامل انواع آب‌بندانها، استخرها، پناهگاه حیات وحش، مزارع برنج و لکه‌های جنگلی پست خزری است. کنوانسیون رامسر قدیمی‌ترین معاهده بین‌المللی، با تأکید بر حفاظت از طبیعت در جهان است. آغاز آن در دوم ماه فوریه ۱۹۷۱ (۱۳ بهمن ۱۳۴۹) در شهر رامسر ایران بوده که کنوانسیون نام خود را از این شهر اقتباس کرده است و کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۵ جنبه قانونی یافت. این معاهده ۱۵۸ کشور عضو را ملزم به تعیین و حفظ تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی و تشویق به استفاده خردمندانه از آن‌ها می‌نماید. بیش از ۱۷۰۰ سایت با مساحت کل حدود ۱۵۰ میلیون هکتار در سراسر جهان در حال حاضر در این کنوانسیون به ثبت رسیده‌اند. گرچه نام رسمی کنوانسیون: «کنوانسیون تالاب‌های بین‌المللی به‌ویژه به‌عنوان زیستگاه پرندگان آبی» یا به‌اختصار «کنوانسیون تالاب‌ها (رامسر، ایران، ۱۹۷۱)» نوشته می‌شود، ولی به‌طور معمول به «کنوانسیون رامسر» شهرت دارد.

آخرین پرنده از جمعیت ایرانی گونه به شدت در معرض انقراض درنای سبیری هر سال به تنهایی زمستان‌ها را در این تالاب می‌گذراند و اول بهار به خانه بیلاقیش در شمال روسیه پر می‌کشد. از هزاران درنایی که هر سال به فریدونکنار می‌آمدند تا سال ۸۱ فقط ۴ عدد باقی ماند. در سال ۸۳ روس‌ها دو جوجه درنا را به آنها افزودند تا شاید جمعیت آنها افزایش پیدا کند، ولی سال به سال تعداد آنها کمتر شد و از سال ۸۶ فقط یک پرنده موفق شده از گلوله‌های شکارچیان جان به در ببرد و مهاجرت هر ساله خود از تالاب فریدونکنار به سبیری را تکرار کند. (کاظم پور، ۱۳۹۰)

سواحل جنوبی دریای خزر و بخصوص منطقه فریدونکنار به جهت تالاب‌های آن همواره یکی از کانون‌های زمستان‌گذرانی پرندگان مهاجر بوده است. از گذشته مردم محلی نوعی اکوسیستم زراعی به نام دامگاه در نواحی روستایی فریدونکنار پدید آورده‌اند. دامگاه نوعی صید سنتی به‌عنوان معیشت مکمل می‌باشد که تلفیقی از عناصر معماری روستایی، ابعاد اقتصادی و فرهنگی با ملاحظات زیست‌محیطی را می‌توان در آن مشاهده نمود. دامگاه تجلی رابطه متقابل بین انسان و طبیعت با حفظ منافع متقابل هر دو طرف است که در طی دو قرن اخیر علیرغم تمام تحولات اقتصادی-اجتماعی تاب آورده است.

تالاب‌های فریدونکنار با هدف فراهم کردن محیطی امن برای زمستان‌گذرانی پرنده مهاجر و در معرض انقراض درنای سیبری با مساحتی برابر با ۴۸ هکتار در سال ۱۳۵۲ حفاظت شده اعلام شد. این پناهگاه در سال ۱۳۵۴ به پناهگاه حیات وحش ارتقا یافت و در سال ۱۳۸۲ نیز در فهرست تالاب‌های بین‌المللی به ثبت رسید. منطقه مورد نظر با ارتفاع ۲۰ متر پایین‌تر از سطح دریاهای آزاد که درجه حرارت و بارندگی متوسط سالیانه آن به ترتیب برابر با ۲۰ درجه سانتیگراد و ۱۰۰۰ میلی‌متر و اقلیم آن خیلی مرطوب معتدل است. تالاب‌های بین‌المللی فریدونکنار در اصل زمین‌های کشاورزی هستند که در تابستان برای کشت برنج و در زمستان به صورت ایش (قرق) در آمده و برای صید سنتی پرندگان (با تمرکز بر گونه‌های خوراکی مانند اردک سرسبز و خوتکا) استفاده می‌شوند. این تالاب‌ها با استفاده از دانش بومی از مهرماه تا آخر اسفند ماه زیستگاه زمستانگذرانی بیش از ۵۰ گونه پرنده‌ها آبرزی هستند.

۴-۲- چالش‌ها و آسیب‌پذیری تاب‌آوری فرهنگی در تالاب‌های فریدونکنار

همان‌طور که مشاهده کردیم در مفهوم تاب‌آوری فرهنگی؛ نقش عاملیت در فرهنگ و اجتماع نقش بنیادی دارد. در واقع کنشگران در ساختار اجتماع برای تداوم‌بخشیدن به زیست‌بوم و حوزه اکولوژیکی- معیشتی دخالت داشته و نقش بازیگری دارند. عاملیت و کنشگران بومی از منابع و مراجع فرهنگی برای تداوم‌بخشیدن به دامگاه‌ها استفاده می‌کنند. دامگاه‌ها فریدونکنار توانسته از شوک‌هایی که تغییرات و تحولات رخ داده شده استمرار یابند و تاب آورند، اما در دوسه‌دهه اخیر موج جدیدی از شوک و فشار بر این بوم‌زیست تاب آورده وارد شده که به‌صورت ساختاری عمل می‌کنند که تا جایی می‌توانند تحمل عاملیت را که تداوم‌بخش دامگاه‌ها بوده تأثیر بگذارند. نقل‌قولی از یک فرد بومی نشان‌دهنده این امر است: در این نقل‌قول آمده؛

"چنان‌چه هر فردی بیاید وارد روستا و دامگاه شود و تعیین تکلیف کند ما این دامگاه‌ها را از بین خواهیم برد. او در ادامه می‌گفت ما خود می‌دانیم که چگونه از این دامگاه‌ها مراقبت کنیم زیرا پدرانمان آن را برای ما باقی گذاشته‌اند."

شواهد نشان از این امر دارد که فشارهای مضاعف بر دامگاه‌ها افزوده شده که خطرات جدیدی را به‌بار آورده و بر تهدیدات از نوع تازه بر دامگاه‌ها افزوده است. این چالش‌ها و تهدیدات را می‌توان در چند مؤلفه ساختاری با تصاویر نشان داد که می‌تواند پیامدهای ناگواری را به‌بار آورد. این چالش‌ها و تهدیدات را می‌توان به چند عامل ساختاری زیر تقسیم‌بندی کرد:

- ۱- ساختار بوروکراتیک (مدیریت و دستکاری).
 - ۲- ساختار قدرت (اشکال جدیدی از قدرت).
 - ۳- ساختار بازار-مصرف-معیشت (کالایی سازی، خصوصی سازی، دشواری‌های اقتصادی).
 - ۴- ساختار توریسم و گردشگری (فروش برای پول بیشتر).
 - ۵- گسترش شهر نشینی و جاده‌های بین شهری
- این عوامل ساختاری در دو دهه اخیر به شدت منبع تهدیدات دامگاه‌هان فریدون کنار شده‌اند.

۳-۴- ساختار بوروکراتیک (مدیریت و دستکاری)

در ساختار بوروکراتیک می‌توان شواهدی از وارد کردن عاملیت بومی و تعریف دامگاه‌هان در نظام اداری را مشاهده کرد. برگزاری جلسات سامان‌دهی و کنترل وضعیت صید توسط سازمان‌هایی چون اداره کل حفاظت محیط زیست را می‌توان دخالت ساختار بوروکراتیک در دامگاه‌هان فریدون کنار دانست.

طرح‌های سامان‌دهی تالاب‌های فریدون کنار را باز می‌توان حوزه ورود و مداخله ساختار بوروکراتیک کردن تالاب‌ها دید. در واقع در سال‌های اخیر به نوعی با بوروکراتیک کردن تالاب‌های بومی فریدون کنار مواجهه‌ایم که می‌تواند در تعریف تاب‌آوری فرهنگی اثرات و پیامدهای منفی به بار آورد. گرچه ساختار بوروکراتیک سعی در حفظ پرندگان دارد اما عدم تشخیص ماهیت تالاب‌ها و نقش عاملیت بومی در حفظ و تداوم بخشیدن به آن و هم‌چنین، فقدان اطلاعات در علل افزایش شکار پرندگان می‌تواند تأثیر منفی بگذارد. این ساختار بروکراتیک با مداخلاتی در حوزه تالاب‌ها وارد حوزه مدیریت سنتی می‌شود و بر تداوم این سنت تاب‌آوری شده تأثیری گذارد. به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر حوزه نفوذ ساختارهای بروکراتیک بر اجتماعات بومی بیشتر شده است.

۴-۴- ساختار قدرت (اشکال جدیدی از قدرت)

علاوه بر ساختار بوروکراتیک؛ در یک دهه اخیر وارد شدن ساختار قدرت را می‌تواند در تاب‌آوری فرهنگی تالاب‌های فریدون کنار مؤثر باشد. طی اوایل دهه ۱۳۹۰ شمسی برخی از شخصیت‌های سیاسی کشور از این تالاب‌ها بازدید کرده‌اند.

با توجه به عوامل و تهدیدات ذکر شده در موارد بالا باید اذعان کرد که نمونه‌ای از این بازدید را می‌توان حضور وزیر دادگستری در سال ۱۳۹۳ در منطقه تالاب ازباران دید. او در گفته‌های خود این قضیه را مطرح کرده بود که: مسئولین حفاظت محیط زیست نباید اجازه تجاوز به

حریم این پرندگان را بدهند. در مجموع نگاه به تالاب‌های فریدون‌کنار از طریق ساختار قدرت: به‌جای تأکید بر عاملیت تاریخی افراد بومی بر عاملیت ساختارها و سازمان‌های بوروکراتیک می‌دهند بدون آن‌که به ریشه این تاب‌آوری فرهنگی در تالاب‌ها توجه شود. تحریک روزنامه نگاران و طرفداران محیط زیست هم در به‌تهدید کشیده شدن تاب‌آوری ایت تالاب‌ها بی‌تأثیر نیست. گرچه این عوامل برای طرفداری از پرندگان سعی می‌کنند اما تالاب‌ها را از حالت انزوای خود بیرون می‌کشند. به‌عنوان مثال تا یکی دو دهه قبل، رسانه‌ای شدن تالاب‌ها چندان گسترده نبود و نسبت به وجود این تالاب‌ها آگاهی کمتر وجود داشت، اما با رسانه‌ای شدن و حضور مداوم این عاملان در این مناطق به نوعی به صورت غیر مستقیم بر تهدید آن افزوده شده است.

۴-۵- ساختار بازار-مصرف-معیشت

از چالش‌های و تهدیدات عمده‌ای که امروزه بر تاب‌آوری فرهنگی تالاب‌های فریدون‌کنار فشار وارد می‌سازد؛ رشد مصرف‌گرایی و اهمیت روند بازار در اقتصاد بومی بوده است. بازار مصرف و اهمیت پول در زندگی امروزی مردم به‌شدت وارد شده و مصرف‌گرایی بخش تأثیرگذار مناسبات اجتماعی گردیده است. این عامل همراه با وضع نامناسب اقتصادی خانوارهای روستایی وزنه صید سنتی را به‌سمت شکار بی‌رویه پرندگان در تالاب‌های فریدون‌کنار سوق داده است. استفاده از روش‌های جدید شکار پرندگان و افزایش آن باعث نگاه بازاری و مصرفی به این تالاب‌ها گردید.

مصرف‌گرایی و نقش و اهمیت پول در زندگی اجتماعی افراد روستایی به‌شدت در تخریب تاب‌آوری تالاب‌ها نقش دارد. در دو دهه اخیر شاهد گسترش تکنولوژی‌های نوین شکار پرندگان و وجود بازار فروش برای این پرندگان بوده که به‌صورت ساختاری تأثیر آن چالش‌ها را نشان می‌دهد. در سال‌های اخیر واژگان مختلفی که در ارتباط با تالاب‌ها و پرندگان در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و غیره نسبت به شکار پرندگان برجسته شده می‌تواند بر تاب‌آوری تأثیرگذار باشد. استفاده از واژگان «شکارچی‌های مختلف»، «صید غیرقانونی»، «قتلگاه پرندگان»، «کشکار پرندگان»، «صید غیرمجاز»، «روش‌های غیرقانونی»، و واژگان دیگر نشان از ورود ساختار بازار و مصرف‌گرایی در زندگی اجتماعی افرادی توان دید. گسترش بازار پرنده‌فروشان و استفاده از تورهای هوایی به‌صورت بی‌رویه هم ساختار بوروکراتیک و هم سازمان‌های مردم‌نهاد را وارد دخالت در این عرصه کرده است. به‌عنوان مثال سازمان‌ها و نهادهایی چون استانداری، فرمانداری شهرستان فریدون‌کنار، شورای تأمین و نهاد انتظامی و سازمان‌های طرفدار محیط زیست

جلسات و مصوبات متعددی را درخصوص سامان‌دهی دامگاه‌های فریدون‌کنار و جمع‌آوری تورهای هوایی وارد مذاکره شده‌اند: این ورود تنها نشان‌دهنده دخالت ساختار بوروکراتیک بوده بلکه نشان از تهدید ساختار بازار و مصرف‌گرایی درخصوص تاب‌آوری فرهنگی تالاب‌های فریدون‌کنار می‌دهد.

۴-۶- ساختار گردشگری

عامل اصلی و مهمی که در سال‌های اخیر به شدت بر تاب‌آوری فرهنگی اکولوژیکی تالاب‌های فریدون‌کنار خدشه وارد می‌کند، گسترش توریسم و گردشگری در مازندران است. ساختار توریسم به همان قدر که می‌تواند در پویایی اقتصادی و فرهنگی نقش ایفا کند، به همان شدت بر تخریب فرهنگ بومی تأثیرگذار است. گردشگری در مازندران نه تنها بر فرهنگ بومی مازندران تأثیر منفی گذاشته و حتی بر زیست‌بوم استان تأثیرگذار بوده و درعین‌حال باعث رونق بازار خرید پرندگان توسط گردشگران گردیده است. وجود این بازار پررونق خرید پرندگان در فریدون‌کنار توسط گردشگران بر صید و شکار بی‌رویه پرندگان توسط افراد بومی مؤثر بوده است. شیوه‌های و روش‌های جدید شکار یا صید پرندگان از طریق تصب دام‌های هوایی، گذر و کرس؛ شیوه‌های سنتی صید را تحت‌شعاع قرار داده است. با توجه به عوامل و تهدیدات ذکر شده در موارد بالا باید اذعان کرد که اگرچه با تحولات مدرن و انتقال آن در اجتماعات بومی تاب‌آوری‌هایی توسط عاملیت افراد بومی رقم خورده است و این اجتماعات از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های سیستم‌های فرهنگی اجتماعی برای حفظ و سازگاری سیستم اکولوژیکی معیشتی تلاش کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر عوامل ساختاری دیگری از برخورد این تاب‌آوری در حال فشار وارد کرده است. در واقع آنچه بر اجتماعات بومی از جمله تالاب‌ها و دامگاه‌ها فریدون‌کنار وارد می‌شود نقش عاملیت بومی و نقش بازیگری آن‌ها به تدریج از دست می‌رود. این فشار را می‌توان نوعی مدرنیته مضاعفی دانست که تاب‌آوری‌های مبتنی بر سازگاری و تحلیل سیستم‌های سنتی در شرایط مدرن را با چالش روبه‌رو ساخته است. تالاب‌های فریدون‌کنار را می‌توان نمونه‌ای از تاب‌آوری‌های در حال چالش و فشار مدرنیته مضاعف به‌شمار آورد که عوامل ساختاری متعدد به تدریج ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اجتماع بومی را تضعیف می‌کند. این‌گونه به نظر می‌رسد که تاب‌آوری زمانی می‌تواند ماهیت خود را از دست دهد که عاملیت بومی نقش بازیگری خود را از دست داده و در چارچوب بازار و مصرف قرار گیرد.

۴-۷- گسترش شهرنشینی و جاده‌های بین شهری

رشد سریع و گسترش افقی شهرها در دهه‌های اخیر تقریباً تمامی کشورهای جهان، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. مسائل این پدیده نه تنها سیاست‌های شهرسازی را به طور وسیعی تحت‌الشعاع قرار داده، بلکه تبعات حاصل از آن در تشدید چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و زیست‌محیطی جوامع نقش اساسی داشته است. در جهان امروز رابطه جامعه انسانی و محیط طبیعی تحت تأثیر پدیده شهرنشینی و توسعه شهری قرار گرفته است. پدیده‌ای که دارای خصلت جهانی و کلی بوده و دائماً روبه افزایش می‌باشد. شهرنشینی و توسعه شهری را بدون شک، یکی از جنبه‌های ویژه در تمدن جدید می‌دانند، مهاجرت شدید روستائیان به شهرها، سبب رشد و گسترده‌گی محدوده شهر و توسعه عظیم و انبوه جمعیت شهری شده است (زنگنه، ۱۳۸۹). فطرس محمد حسن و دیگران، (۱۳۹۰).

از جمله شهرهایی که در دهه‌های اخیر رشد و گسترش قابل توجهی را تجربه کرده است شهر فریدونکنار است. گسترش بی رویه و ناهماهنگ این شهر از یک طرف موجب از بین رفتن باغ‌ها و اراضی کشاورزی مرغوب پیرامون شهر گشته و خسارت‌های جبران ناپذیری را به این منابع تجدید ناپذیر وارد ساخته و از طرف دیگر موجب ناهماهنگی و عدم تعادل‌هایی در بخش‌های مختلف کالبدی- فضایی شهر و نارسائی در تأسیسات و تجهیزات این شهر شده است. و بدنبال آن مشکلات زیادی را برای شهروندان و مدیران شهری پدید آورده است. علاوه بر اینکه شهر فریدونکنار به صورت افقی در حال گسترش است، که تأثیری بر تالاب‌های منطقه گذاشته است. از عوارض دیگر این گسترش شهرنشینی را می‌توان باز شدن مسیر جاده کمربندی فریدونکنار و اثرات ناشی از آن در سالهای اخیر دانست که تهدیداتی برای دامگاهان به همراه داشته و باعث تغییر کاربری تدریجی اراضی کشاورزی شده است.

۴-۸- فرصت‌های حاصله از تاب‌آوری فرهنگی تالاب‌ها

تحولاتی که مدرنیته بر اجتماعات و فرهنگ‌های بومی ایجاد کرده منجر به تغییرات ریشه‌ای در این جوامع شده است. در چند دهه اخیر تئوری‌های توسعه به سمت بحث‌های پایداری جوامع طرح‌ریزی می‌شود؛ به همین جهت بحث توسعه پایدار از اهمیت ویژه‌ای در گفتمان توسعه برخوردار گردیده است. برخی از جوامع به دلیل پتانسیل‌های تاب‌آوری امرذاتی پایداری را در خود دارند. با همه فشارهایی که دگردیسی مدرنیته، شهرنشینی، مصرف‌گرایی، صنعتی‌شدن و ماشینی‌شدن و نتولیبالیسم و بازاری‌شدن کنش‌های اجتماعی؛ بر بسیاری از

اجتماعات و فرهنگ‌های بومی - منطقه‌ای وحشی ملی تأثیر می‌گذارد، پایداری‌های زیست‌بومهای تاب‌آورنده؛ نشان از استراتژی‌های قدرت‌مند تطبیق می‌دهد. با این حال فشارهایی که مدرنیته مضاعف با قدرت و توانایی که اعمال می‌کند و مکانیسم ساختارمندی که در خود دارد؛ حتی آن زیست‌بوم‌ها و جوامع محلی‌ای که از طریق ذات تاب‌آوری پایداری طبیعی را در خود دارند نمی‌توانند در امان بمانند. به‌نظر می‌رسد نئولیبرالیسم دوسه دهه اخیری که در سیستم جهانی شکل گرفته و به‌تدریج به اغلب جوامع اشاعه پیدا می‌کند، نوعی دیگری از مدرنیته را در فرایند جهانی‌شدن به‌صورت ساختاری به نمایش می‌گذارد که تأثیرات آن را می‌توان در چالش‌های ذکرشده در بالا دید. اما با این حال می‌توان فرصت‌های جدیدی را برای این اجتماعات در نظر گرفت که پایداری طبیعی اجتماعات بومی محلی که از طریق تاب‌آوری تداوم یافته‌اند، را استمرار بخشید. این فرصت‌ها را می‌توان در این عناوین ذکر کرد:

- ۱- نقش عاملیت بومی را به‌عنوان بازیگر تاب‌آوری فرهنگی باید تأکید داشت.
- ۲- عناصر تاب‌آورنده را با نگاه موزه‌ای برنامه‌ریزی کرد.
- ۳- عوامل ساختاری ذکرشده که اغلب به‌عنوان تهدید و چالش در نظر گرفته می‌شود را تعدیل کرد.
- ۴- گفتمان توسعه‌گردشگری پایدار و نقش و محوریت اکوتوریسمی تواند به‌عنوان راهبردی برای کم‌کردن فشار مدرنیته مضاعف در نظر گرفت.
- ۵- در تاب‌آوری‌های اجتماعات بومی و زیست‌محله‌ها نقش سرمایه اجتماعی همواره وجود دارد؛ شناسایی این سرمایه‌های اجتماعی و حفظ و تداوم آن می‌تواند فرصتی برای استمرار تاب‌آوری‌های فرهنگی برای حفظ زیست‌بوم - محله‌ها (دامگاه‌ها) باشد.
- ۶- بار هویت‌بخشی به خود آن تاب‌آوری‌های فرهنگی می‌تواند در تاب‌آوری مضاعف اجتماعات بومی و زیست‌بوم - محله‌ها بسیار حیاتی باشد.
- ۷- نقش اکوتوریسم به‌عنوان منبع درآمد جایگزین بسیار مناسب است.
- ۸- از آن‌جاکه عوامل تأثیرگذار امروزی در به‌چالش‌گرفتن و تهدید بر تاب‌آوری فرهنگی و اکولوژیکی معیشتی تالاب‌ها و دامگاه‌ها مهم است باید به پایداری این تاب‌آوری اندیشیدند. به‌همین دلیل است که یکی از برنامه‌های توسعه پایدار باید به‌سمت و سوی تاب‌آوری‌های درون اجتماعات و فرهنگ سوق‌دهی شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تنگنای جهانی شدن بر تاب‌آوری

بسیاری از محققانی که در مورد تاب‌آوری فرهنگی-اجتماعی پژوهش‌هایی را منتشر کرده‌اند، موافق این موضوع هستند که تاب‌آوری یک فرایند طولانی کنش متقابل و تعامل میان عاملیت بومی و محیط زیست او برای روبه‌روشدن با فشار بوده است. مشخصات محیط اکولوژیک و فرهنگ برای حمایت فرایند تاب‌آوری فرهنگی بسیار ضروری است (توسیگنت، ۲۰۰۴). فرهنگ تأثیر کنشی که با زیست‌بوم در فرایند تاریخی داشته است می‌تواند مدل‌هایی برای موفقیت تاب‌آوری داشته باشد. دامگاه‌های فریدون‌کنار با سابقه تاریخی‌ای که دارد از یک سنت قوی برخوردار بوده که از قالب فرهنگ توانسته مدلی را برای عاملیت طراحی کند تا بتواند تا به امروز تاب بیاورد. این دامگاه‌ها به عنوان یک منبع معیشتی برای افراد بومی نقش اساسی داشته است و در تلفیق با منبع فرهنگی مبتنی بر زیست‌بوم خود را تداوم بخشیده است. منبع و مرجع فرهنگی-زیست‌بومی در دامگاه‌ها به دلیل سنت دیرینه‌ای که داشته دارای سیستمی از معنا و انسجام‌بخشی برای افراد بومی بوده است. در واقع باید سیستم فرهنگی-اجتماعی این اجتماع بومی را نوعی ایده‌آل دانست که در درون آن عناصری از تجارب، مهارت، نگرش، دانش، زبان، ارزش، سرمایه، دارایی، اطلاعات، همیاری، همکاری، هارمونی گروه، سهم‌بری، صبروشکیبایی، ارتباطات غیرکلامی، و غیره وجود دارد. این عناصر منبع ظرفیتی است که اجتماع محلی را در برابر تغییرات، شوک، دشواری، فشار و اختلالات حفظ، می‌کند و سازگار می‌سازد. تاب‌آوری فرهنگی در حوزه اکولوژیکی-معیشتی در دامگاه‌ها فریدون‌کنار محصول چنین استراتژی و مدیریت و مکانیسمی است. اما در بیان انواع تاب‌آوری‌ها باید اشاره داشت برخی از این تاب‌آوری‌ها می‌تواند تحت عناصری آسیب‌مجدد ببینند. این آسیب‌مجدد را می‌توان در مدرنیته مضاعفی جستجو کرد که عناصر ساختاری را وارد سیستم فرهنگی-اجتماعی تاب‌آوری می‌کند. همان‌طور که در این مقاله نشان داده‌ایم عناصر ساختاری‌ای چون بوروکراتیک، قدرت، بازار-مصرف و گردشگری به شدت می‌تواند شوک و فشار مجددی را بر بدنه تاب‌آوری فرهنگی وارد سازد. این یک چالش و تهدید جدید است که تاب‌آوری فرهنگی را وارد مرحله جدیدی می‌کند که باید جواب آن را در مدل تحلیل مقیاس جستجو کرد. گرچه این مدل تحلیل می‌تواند عوامل تهدید را نشان دهد اما تنها نوعی کالبدشکافی از برجسته‌کردن یک پدیده است که چالش‌های آن را نشان می‌دهد: به نظر می‌رسد برای آن که تداوم مضاعف تاب‌آوری فرهنگی را در تالاب‌ها و دامگاه‌ها فریدون‌کنار استحکام

بخشید باید از رویکرد تئوریک توسعه پایدار کمک گرفت. در واقع با وارد کردن چشم‌انداز فرهنگی بر مبنای توسعه پایدار به‌عنوان نوعی سازمان‌دهی برنامه‌ریزی‌شده به‌شرطی که بر فرهنگ تاب‌آوری‌شده خدشه وارد نسازد، می‌توان از منابع و مراجع فرهنگ بوم‌زیستی از یک‌طرف و برنامه‌های دقیق سازمان‌دهی‌شده برای تداوم مضاعف تاب‌آوری فرهنگی استفاده کرد. این می‌تواند فرصتی برای تاب‌آوری فرهنگی باشد که مرحله جدیدی از چالش‌ها و تهدیدها را تجربه می‌کند. این چالش‌ها را باید در تنگنای جهانی شدن جستجو کرد.

اگر جهانی شدن را در ارتباط با تاب‌آوری یک اجتماع بومی نامطلوب بدانیم، جنبه‌های منفی اش از دست دادن یکپارچگی جامعه و سرمایه اجتماعی با توجه به تعامل فزاینده میان سرمایه گذاران یکپارچه جهانی است. در اینجا، تعاملات "افقی" میان سطوح محلی که در گذشته به شکل گیری اعتماد قوی و پیوندها میان اعضای جامعه منجر می‌شد با تعاملات "عمودی" جایگزین شده است. به صورتی که ارتباطات سرمایه گذاران با جهان گسترده تر شده، در حالی که ارتباطات سطح جامعه محلی غالباً نادیده گرفته می‌شود. برخی از عناصر درونی جهانی شدن به دلیل "تضعیف تماس" در سطح محلی، به ازهم پاشیدگی سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی منجر می‌شوند و به تضعیف کردن قدرت جوامع محلی منجر می‌گردد. در این جوامع "تعامل جامعه" از سطح جغرافیایی فراتر می‌رود (برای مثال جامعه روستایی یا شهری) و با جوامع بی‌مکان "مجازی" نظیر "جوامع اقتصادی جهانی"، "جوامع اینترنتی" مجازی یا شبکه‌های عاملین پراکنده از نظر جغرافیایی، جایگزین می‌گردد. فقدان سرمایه محیطی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان مشکل ویژه مرتبط با این فرایندها در مرحله گذار در عصر جهانی شدن تاثیر بسزایی بر تاب‌آوری اجتماعات محلی دارد. به نظر می‌رسد که تالاب‌های فریدون کنار در یک فرایند گذاری وارد شده است که انواع سرمایه‌های خود را از دست می‌دهد و شاید با فشار بیش از حد عوامل درونی جهانی شدن تاب‌آوری خود را از دست دهد.

منابع

- رمضان زاده لسبوئی، مهدی (۱۳۹۵). مبانی و مفاهیم تاب‌آوری شهری، مدل‌ها و الگوها (گزارش ۳۷۳). تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- آقا محمدی، علی و غیاثوند، احمد (۱۳۹۳). تاب‌آوری رویکرد مدیریت مخاطرات. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی تهران.
- پورحیدری، غلام رضا (۱۳۹۳). تاب‌آوری بحران: الزامی ملی. تهران: انتشارات انجمن علمی مدیریت بحران.

- سایبوت، آل (۱۳۹۴). *مزایای تاب‌آوری*. ترجمه علیرضا صارمی و سید باقر میرسلیمانی. تهران: انتشارات روزگار.
- کردمیرزا نیکوزاده، عزت‌الله (۱۳۹۲). *تاب‌آوری مفاهیم، نظریه‌ها، مدل‌ها، کاربردها*. تهران: نشر آیت.
- کاظم پور محسن (۱۳۹۰). *جاذبه‌های تالاب‌های فریدون‌کنار درنای تنها*. روزنامه جام جم، ۲۶ مهر برگرفته از <http://jamejamonline.ir/online/>
- زنگنه، یعقوب (۱۳۸۹). *درآمدی بر اقتصاد شهری* (چاپ اول). تهران: انتشارات آذرخش.
- فرطس، محمد حسن (۱۳۹۰). بررسی تاثیر انرژی و گسترش شهرنشینی بر تخریب محیط زیست ایران. *مجله محیط‌شناسی*. ۳۷ (۶۰)، ۲۲-۱۳.

- Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: are they related?. *Progress in human geography*, 24(3), 347-364.
- Barton, W. H. (2005). Methodological challenges in the study of resilience In M. Ungar. (Ed.), *Handbook for working with children and youth* (pp. 135-148). Ousand Oaks, London, New Delhi: Sage Publications.
- Boss, P. (2006). *Loss, trauma, and resilience: Therapeutic work with ambiguous loss*. New York: Norton.
- Chakrabarti, A., & Cullenberg, S. (2003). *Transition and development in India*. London: Routledge.
- Fleming, J., & Ledogar, R. J. (2008). Resilience, an evolving concept: A review of literature relevant to aboriginal research. *Pimatisiwin*, 6(2), 7-23.
- Folke, C. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social-ecological systems analyses. *Global environmental Change*, 16(3), 253-267.
- Ledesma, J. (2014). *Conceptual frameworks and research models on resilience in leadership*. *SAGE Open*, July-September, 1-8. Reterived from <https://doi.org/10.1177/2158244014545464>
- Masten, A. S. (2007). Resilience in developing systems: progress and promise as the fourth wave rises. *Developmental Psychopathology*, 19(3), 921-930.
- McCubbin, L. D., & McCubbin, H. I. (2005). Culture and ethnic identity in family resilience: Dynamic processes in trauma and transformation of Indigenous people. In M. Ungar (Ed.), *Handbook for working with children and youth* (pp. 27-44). Ousand Oaks, London, New Delhi: Sage Publications.

- Patterson, J. M. (2002). Understanding family resilience. *Journal of Clinical Psychology*, 58(3), 233-246.
- Plieninger, T., & Bieling, C. (Eds.). (2012). *Resilience and the cultural landscape: understanding and managing change in human-shaped environments*. Cambridge University Press.
- Richman, J. & Fraser, M. (2001). *Resilience in childhood: the role of risk and protection*. Westport, CT: Praeger
- Rutter, M. (1985). Resilience in the face of adversity: Protective factors and resistance to psychiatric disorder. *British Journal of Psychiatry*, 147, 598-611.
- Smith, C. & Ward, G. K. (2000). *Indigenous cultures in an interconnected world*. Vancouver: UBC Press.
- Strand, J. A. & Peacock, R. (2003). Resource guide: Cultural resilience. *Tribal College Journal*, 14(4), 28-31.
- Strauss, S. & Reeser, D. (2013). Siting, scale, and social capital: Wind energy development in Wyoming. In S. Strauss, S. Rupp, and T. Love (Eds). *Cultures of energy: power, practices, technologies* (Pp. 110-125). Walnut Creek, CA: Left Coast Press.
- Wilson, G. (2012). *Community resilience and environmental transitions*. Earthscan, London.
- Wilson, G. A. (2012). Community resilience, globalization, and transitional pathways of decision-making. *Geoforum*, 43(6), 1218-1231.